

اثر نیایش در بیان پیامبر خدا(ص)



عبدو هدیّت علّی دانشگاه فاردوسی مشهد
بهجت الاسلام والمسلمین دکتر مصدق رضا جواهری

اثر دعا چیست؟ این پرسشی است که هم آنان که به دعا اعتقادی ندارند و هم اهل دعا در ذهن دارند. پاسخ این پرسش اساسی و مهم در بیان اهل بیت^(ع) وجود دارد. آثار گوناگون دعا در ابعاد معرفتی و تربیتی و اخلاقی و روانی و جسمی با مطالعه احادیث پیامبر خدا^(ص) روشن می شود. هیچ دعای خبری بی تأثیر نیست. پیامبر^(ص) فرموده اند: «ما مِن مُّسلم یدْعُو یدْعوه لَیْسَ فیْها اِثمٌ، وَلا قَطِیْعَه رَحمٍ؛ الاّ اعطاه بها احدی ثلاثٌ. اِمّا اَنْ یُعْجَلَ له دعوته، واما اَنْ یدْخُزْها له فی الآخره، واما اَنْ یرفع عنه مثلها مِن السوء» هر مسلمانی که خدا را به دعایی بخواند و آن دعا برای قطع رحم و رسیدن به گناهی نباشد، خداوند متعال یکی از سه کار را در حق او می کند و به او یکی از سه چیز را عطا می کند؛ یا دعایش را در دنیا برآورده کند یا آن را ذخیره آخرت او قرار دهد یا بدی و گزند را از او دور سازد.»(بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۴).

در این حدیث نبوی، نخست و در وجه سلبی، موانع تأثیر دعا ذکر شده است؛ دعایی که مشتمل بر درخواست ازهم گسستن پیوندهای خانوادگی و قطع رحم یا ظلم و جلب گناه و معصیت باشد، به اجابت نمی رسد. اما دعای مسلمان با شرایط و آداب آن مستجاب می شود، بنابراین سزاوار است که مسلمان زیاد دعا کند که دعای مثبت، بی نتیجه نخواهد ماند. قطعاً دعاگو و دعاکننده از عطای الهی برخوردار می شوند. در این حدیث نبوی، آیین نیایش در هر دو بخش سلبی و ایجابی، آموزش داده شده است. بی تردید دعای درست اثر خواهد گذاشت و به حصر عقلی، یکی از سه عطای الهی به فرد دعاکننده خواهد رسید.

رسیدن به مطلوب دعا در دنیا

امکان دارد خدای سبحان در دنیا فوری یا با تأخیر دعای مسلمان برای خود یا دیگری را آن گونه که می خواسته است، مستجاب کند. پیامبر خدا^(ص) در جمله «اما اَنْ یُعْجَلَ له دعوته»، این عطای خداوند را بیان کرده اند. تعجیل در برآورده کردن خواسته مؤمن در دنیا، یکی از سه خصلت و وضعیتی است که در پی دعای او تحقق خواهد یافت و حصول مطلوب و ادای حاجت به صورت شایسته و مناسب، یک اثر احتمالی دعاست.

ذخیره آخرت

اگر دعاگو در دنیا به خواسته اش نرسد، دعایش برای آخرت او اندوخته می شود و خداوند برای دعا به او اجر و پاداش اخروی می دهد. پیامبر خدا^(ص) در جمله «اما اَنْ یدْخُزْها له فی الآخره»، این اثر پایدار دعا را بیان کرده اند. بنابراین اثر هر دعایی در پرونده اعمال انسان و کارنامه او جای می گیرد. پاداش در روز واپسین، نیز یک اثر احتمالی دعاها ی هر انسان است.

رفع بدی و سوء

اثر دیگری که امکان دارد در پی دعای دعاگو برای او پدید آید، رفع سوء و بدی است. اگر خداوند خواسته دعا گو را به او ندهد، او را از بلا و گرفتاری و خطر و بدی که پیش روی او قرار دارد، نجات می دهد. پیامبر اکرم^(ص) در جمله «اما اَنْ یرفع عنه مثلها مِن السوء» این عطای الهی را یادآوری کرده اند. بدی در سطح خواسته و مطلوب دعاگو و مثل آن با دعای او برطرف می شود. در حقیقت همه دعاها ی مثبت انسان ها مستجاب می شود، اما استجابات تنها به رسیدن به مطلوب و خواسته خویش در دنیا نیست.

ذخیره آخرت و رفع بدی نیز می تواند از آثار دعاها ی انسان باشد. مسلمان نباید هیچ گاه از دعا کردن ناامید شود و از دعا دست بردارد؛ زیرا اگر تعجیل در برآورده شدن آن دعا روی ندهد، خداوند سودمندی دعا را تضمین کرده است و بازهم دعا سود دارد و از ذخیره آخرت یا رفع سوء برخوردار می شود.

ترس هدایت کننده

سمانه رضوانی اوقتی بیدار شد، همسرش پیامبر امت، را در جای همیشگی اش پیدا نکرد. در خانه کوچکشان چشم گرداند و دید حضرت در گوشه ای از اتاق در حال ایستاده، دست ها را به سوی آسمان دراز کرده اند و اشک از چشمانشان سرازیر است و با خداوند این گونه صحبت می کنند؛

«اللَّهُمَّ لَا تُزِغْ مِنِّي صَالِحَ ما اَعْطَيْتَنِي اِتِّدَأْ، اللَّهُمَّ لَا تُشْمِتْ بِي عَدُوًّا وَلَا حاسِداً اِتِّدَأْ اللَّهُمَّ وَلَا تُزِدْنِي فِی سُوءِ اسْتِقْذَنْتَنِي مِنْهُ اِتِّدَأْ اللَّهُمَّ وَلَا تُكَلِّنِي اِلٰی نَفْسِی طَرَفَةً عَینِ اِتِّدَأْ، پروردگارا! از من نیک ترین عطا هایت را هرگز پس نگیر! خدا یا! مرا در معرض شتمات دشمن و افراد حسود قرار نده! بارالها! مرا به حوادث بد و ناگوار که از آن نجات داده ای، دوباره برنگردان! مرا یک لحظه به اندازه چشم به هم زدن به نفس خودم واگذار مکن!».

ام سلمه با دیدن حالت خشوع و عرفانی و سراسر عشق و خلوص پیامبر^(ص) به گریه افتاد. دست خودش نبود و نمی توانست در مقابل عظمت وجود پیامبر^(ص) و ارتباطشان با معبود و خداوند متعال، خودش را کنترل کند. صدای گریه اش بلند شد. پیامبر^(ص) برای پرسیدن علت صدای گریه او به سمتش آمدند و فرمودند: «ای ام سلمه! چرا گریه می کنی؟». ام سلمه گفت: «ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت! شما با آن مقام و منزلتی که نزد خدای متعال داری، این گونه با تضرع و خشوع و التماس، دعا می کنی و حاجت می طلبی؟».

پیامبر^(ص) در جواب همسرشان فرمودند: «ای ام سلمه! من چگونه خود را در امان ببینم که خداوند یک لحظه یونس بن متی را به خودش واگذار و او را رها کرد و به سرش آن حادثه دردناک آمد؟» (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۴). زبان حال ما نیز همین است و بیخود نبوده است که قدیمی ها همیشه می گفتند الهی عاقبت به خیر شوی جوان! یا اینکه ان شاء... خدا حقیقه ای ما را به حال خودمان وا نگذارد! که ترس از کم شدن در دل هر مؤمنی زنده است.

مجموعه پیامبر(ص)

وجود مقدس پیامبر اعظم^(ص) از زوایای مختلف شایستگی دقت و بررسی را دارد و هرچه درباره سیره و رفتار و کردار ایشان بنویسیم، کم است و گوشه ای از ابعاد وجود نورانی حضرت را بر ما روشن نمی سازد. در بین همه آثاری که در مورد زندگی پیامبر^(ص) سخن گفته اند، امروز سراغ کتابی رفته ایم که نویسنده آن، ایده متفاوت و بدیعی در مورد نگاه زندگی و وجود مختلف خلقی و رفتاری سیره حضرت داشته است؛ ایده ای که خودش به تنهایی دارای معانی زیادی

است. نفی سلیمانی زندگی پیامبر اکرم^(ص) را از نگاه

قرآن مجید و آن گونه که خداوند متعال در کتاب کریم

و گران قدرش بیان می کند، برای ما روایت می کند.

اگر دقت کنیم و قصه زندگی پیامبر اسلام^(ص) را از

درچه نزول آیات قرآن ببینیم، دستاورد متفاوتی

از معرفت برایمان روشن می شود. با خواندن هر ایه

در طول سال های وحی، به حالات و شخصیت و

حوادثی که بر پیامبر اسلام^(ص) می گذرد، دست پیدا

می کنیم. اشاره های ضمنی یا مستقیم قرآن کریم

به رسول گرامی اسلام^(ص) به عنوان سرخ هایی برای

دست یافتن به وقایع زندگی حضرت کاربرد دارد؛

مجموعه «پیامبر» تلاشی در مسیر شناخت وجود

مظهر پیامبر اسلام^(ص) بر محور و خط قرآن است.

این اثر انتشارات به نشر چاپ و منتشر کرده است.

در گفت وگو با مدیر گروه سیره نگاری مؤسسه دارالحديث قم مطرح شد

رحمت بی پایان

رسول خاتم(ص)

مَحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ الَّذِیْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَهُوَ الْخَلِیْقُ الْمَوْجُوْدُ الْاَوَّلُ

بزرگ‌ترین معروف و بالاترین منکر

مهم ترین آیه درباره امر به معروف و نهی از منکر بین دو آیه درباره وحدت قرار گرفته است. با توجه به این امر می توان بزرگ ترین منکر را اختلاف و بزرگ ترین معروف را وحدت دانست. آیه ۱۰۴ سوره آل عمران «واعتصموا بحبلِ ... جمیعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» به این دلیل نازل شد که قبل از بعثت پیامبر^(ص)، اعراب جاهلیت پیوسته با همدیگر می جنگیدند، به گونه ای که جنگ کسب و کار آن ها محسوب می شد و با حمله به قبایل مختلف و غنیمت گرفتن اموال دیگران، امور زندگی خود را می گذراندند. پس از آن، آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ یَدْعُوْنَ اِلٰی الْخَیْرِ وَیَأْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ وَیَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، نازل شد، به این معنا که باید گروهی باشند که امر به معروف و دیگران را به خیر دعوت کنند. خداوند سپس در آیه ۱۵۰ همین سوره می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِیْنَ تَقَرَّبُوا وَاَخْتَلَفُوْا مِنْ بَعْدِ مَا حَآءَهُمُ الْبَیِّنَاتُ وَآوَلَتْ لَهُمْ عَادَاتٌ عَظِیْمٌ؛ از آن ها بی نباشید که تفرقه ایجاد می کنند و سپس متفرق می شوند».

معجزه پیامبر(ص)

ابن خلدون، اندیشمند و دانشمند بزرگ، در مقدمه معروف خود می گوید: پیامبر^(ص) دو معجزه داشته است؛ اولی قرآن و دومی وحدت؛ چرا که توانستند جامعه متفرق را با وحدت انسجام ببخشند. قرآن کریم رمز موفقیت و در صحنه ماندن مردم کنار پیامبر^(ص) را روحیه تسامح و مهربانی ایشان می داند و می فرماید: «ای پیامبر^(ص)! به لطف خدا، تو با مردم مهربان بودی، اگر تند خو و خشن بودی، از دور تو پراکنده می شدند؛ یعنی اگر می خواهی مردم با تو همراه شوند، باید با آن ها نرم و مهربان رفتار کنی. سپس می فرماید: «از آن ها بگذر!».



حجت الاسلام والمسلمین طباطبایی نژاد، خداوند متعال بارها در قرآن کریم به پیامبر^(ص) می فرماید: «از متخلفان بگذر، و حضرت رسول^(ص) نیز با همین محبت و مدارا توانستند آن جامعه متشتت را گرد خود جمع کنند

گذشت و بخشش درباره اعراب جاهلی

این فرمان به گذشت و بخشش درباره انسان های بی فرهنگی بود که حتی احترام ظاهری نیز به پیامبر^(ص) نمی گذاشتند و همان گونه که در سوره حجرات نیز به آن اشاره شده است. از بیرون خانه داد می زدند که فلائی بیا بیرون، یا آنکه آن چنان عبا ی خود را باز می کردند که پوست پیامبر^(ص) آسیب می دید. اما خداوند در ادامه آیه از پیامبر^(ص) می خواهد که بر آن ها طلب مغفرت نکند و سپس تأکید می کند با همان مردم بی فرهنگ در مسائل مختلف مشورت کن و وقتی این چنین کردی، به خدا توکل کن!

تبدیل تهدیدهای هجرت به فرصت وحدت

پیامبر^(ص) با ایجاد همدلی بین مسلمین، کار های بسیار بزرگی انجام دادند. یکی از آن کار های مشکل، هجرت بود. مهاجران مکه یا از لحاظ مالی ناتوان بودند یا اگر توانا بودند، نمی توانستند اموال غیر منقول خود را به مدینه ببرند. آن ها همه اموال خود را در مکه گذاشتند و دست خالی راهی مدینه شدند. با وجود اینکه مدینه نیز شهر ثروتمند نبود و هم راهان پیامبر^(ص) دست خالی بودند، رسول خدا^(ص) موجب پیوند میان انصار مدینه و مهاجران مکی شدند.

آمنه مستقیمی! وقتی صحبت از رحمت للعالمین بودن پیامبر اکرم^(ص) به میان می آید، شاید بسیاری از ما با عمق و ابعاد این رحمت و آثار و برکاتش آشنا نباشیم. در حالی که مروری بر سیره حضرت رسول^(ص) و تلاش های بیست و سه ساله ایشان و نیز آینده نگری برای بعد از خودشان، نشان می دهد که این رحمت چه عمق و گستره ای دارد و تاریخ را مروه و وامدار خود کرده است. به مناسبت سالروز ارتحال رسول ختمی مرتبت^(ص) با حجت الاسلام والمسلمین سید محمود طباطبایی نژاد، استاد حوزه و مدیر گروه سیره نگاری مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث قم، درباره وجهی از این رحمت گفت وگو کرده ایم.

جایگزینی ایشار به جای رانت

پیامبر^(ص) با مدیریتی بی نظیر، کار را به جایی رساندند که انصار و مهاجر عقد اخوت خواندند و انصار، اموال خود را با مهاجرین تقسیم کردند؛ یعنی تدبیر و راهبری نبوی باعث شد انصار، مهاجرین را حتی بر خود مقدم بدانند و اگر امکانات بیشتری به آن ها داده می شد، معترض نمی شدند؛ بدین گونه رانت و رانت خواهی جای خود را به ایشار و دیگر خواهی داد و جامعه ای شکل گرفت که دیگر خواهی در آن در اوج قرار داشت.

اوج رحمت در فتح مکه

وجه برجسته محبت نبوی و توجه پیامبر^(ص) به ایجاد وفاق و هم بستگی اجتماعی را باید در ماجرای فتح مکه جست و جو کرد؛ همان زمانی که حضرت می توانستند با قریش که بیست سال بدترین مبارزه ها و جنایات را علیه ایشان کرده بودند، برخورد کنند و همه را از دم تیغ بگذرانند، اما فرمودند: «امروز روز رحمت است» و خانه ابوسفیان را امن اعلام کردند که هر که می توانست به آنجا پناه ببرد. رسول خدا^(ص) حتی یک جوان اموی به نام عتاب بن اسید را که تازه مسلمان بود، حاکم مکه کردند و خلفای بعد از حضرت هم به احترام پیامبر^(ص) او را به عنوان حاکم مکه برگزیدند.

به کارگیری حداکثری نیروها حتی از کفار

شیوه مدیریتی پیامبر^(ص) به کارگیری حداکثری نیروها بود، به گونه ای که حتی ابوسفیان، سردسته دشمنان بیست ساله شان، خالد بن ولید آفریننده فاجعه احد و عامل کشتن هفتاد مسلمان از جمله حمزه عموی پیامبر^(ص)، عمرو عاص و کسی که به حبشه رفت تا مهاجران را بازگرداند، عتاب بن اسیر و امثال آن ها همه کارگزار نبوی بودند.

بخشش و مدارا؛ رمز موفقیت های نبوی

خداوند متعال بارها در قرآن کریم به پیامبر^(ص) می فرماید: «از متخلفان بگذر» و حضرت رسول^(ص) نیز با همین محبت و مدارا توانستند آن جامعه متشتت را گرد خود جمع کنند و با تأکید ایشان و اهل بیت^(ع) بر وحدت و همگرایی و دوری از بغض و دشمنی، حکومت نبوی پا گرفت. ما نیز امروز به این بعد از سیره نبوی یعنی تقویت وحدت و همگرایی نیاز داریم؛ چون به فرموده امیرالمؤمنین^(ع)، کینه ورزی دین را از ریشه می زند و در کلام دیگری می فرماید: «آن هاایی که با هم خصامه و دعوای کنند، نمی توانند تقوا را رعایت کنند».

خدمت برای پیامبر(ص)؛ عین زندگی

«زید بن حارثه» تنها صحابی پیامبر^(ص) است که نامش در قرآن آمده است. خانواده او جزو غارتگران بودند و وی به عنوان برده در مکه فروخته شد و سپس مباشر حضرت خدیجه^(ص) او را خرید و به غلامی آن بانو درآمد. وقتی بعد از مدتی پدرش از پیامبر^(ص) درخواست کرد که او را آزاد کنند، حضرت فرمودند: «او آزاد است و اگر خودش تمایل دارد که با شما بیاید، من هیچ پولی از شما نمی گیرم». اما محبت حضرت به قدری بود دل او نفوذ کرده بود که حاضر نشد برود و سال ها در خدمت رسول اکرم^(ص) بود تا اینکه در جنگ موته به شهادت رسید. این ها نبود مگر به مدد جوهره محبت، مدارا و گذشت پیامبر^(ص) که در قلب ها نفوذ و آن ها را همراه می کرد.

بافضلیت ترین و ارزشمندترین عبادت ها آن است که خالص و بدون ریا باشد.

جانم از فراق گشت خون!

در تاریخ، ستون حنانه گذاشته اند.

درختان، گیاهان، پرندگان و همه و همه صبح و

شام به تسبیح خدای متعال مشغول اند و حدود

ستایش شان در گوش هستی پیچیده است و فقط

ما یا گوش های انسانی خود آن ها را نمی شنویم.

در کتب تاریخی در مورد این ستون آورده اند؛

«خانه» نام ستونی است که رسول خدا تا پیش

از ساخت منبر در مسجد النبی به آن تکیه و برای

مردم صحبت می کردند. پس از ساخت منبر این

ستون ناله ای سر داد که نشان از ناراحتی او از

دوری از رسول خدا^(ص) بوده است. در منابع آمده

است: «ستونی که پیامبر^(ص) به آن تکیه می کرد،

صدای ناله ای سر داد، به طوری که تمام مسجد به

لرزه درآمد. پیامبر^(ص) از منبر پایین آمد و خود را به

ستون رساند. ستون آرام گرفت. پیامبر^(ص) فرمود:

سوگند به کسی که جان من در دست اوست، اگر

خود را به او نمی رساندم، تا روز قیامت همچنان

بانگ اندوه او ادامه داشت. سپس امر فرمود که آن

رافدن کردند. این ستون به دلیل نابین و آمدن

تعبیر «حَنّ الی» در حدیث نبوی، به «خانه»

گفته اند ستون را بنی امیه پس از تجدید بنای

مسجد قطع کردند و از بین بردند و آنچه بعد از

شد و نماز مسجد با نام ستون حنانه در منابع یاد

شده و نماز خواندن کنار آن مستحب است. ظاهرا

جای آن است نه خود ستون. از عمق فقدان وجود

پیامبر گفتن: زبان ما کوتاه است؛ «کاین اشارت ز

جهان گذران ما را بس!».

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْإِحْلَاصُ. (بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۵، ح ۱۹).